



ماهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قلم
سال یازدهم | شماره پنجاه | زمستان ۱۴۰۳







پیام رهبرانقلاب در پی شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی:

راه شهید سلیمانی متوقف نخواهد شد

شهادت پاداش تلاش بی وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود، با رفتن او به حول و قوه‌ی الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه‌ی دیشب آلودند.

عبدالله
رهبرانقلاب اسلامی
۱۳ دی ۱۳۹۸

فهرست

- ۵..... نقش والدین در فرآیند یادگیری کودکان
- ۷.. تعلیم و تربیت دست آویزی برای جبران کاستی ها
- ۸..... آموزش ترکیبی؛ چالش ها و مزایا
- ۱۰..... تربیت اسلامی در دنیای مجازی
- ۱۲..... دانش آموز گل؛ نظام آموزشی پوچ
- ۱۳..... موجی به پهنای ارض
- ۱۴..... معلم مکتب سلیمانی
- ۱۶..... زنگ شهادت
- ۱۷..... دختر کاپشن صورتی
- ۱۸..... ابوتراب
- ۱۹..... کوله‌ات را بردار

شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
آذربایجان شرقی

مدیر مسئول: سیدحنا موسوی

سر دبیر: ولی امیرطاهری

مدیر اجرایی: رضا نوبهاری

دبیر واحد تعلیم و تربیت: فاطمه ملکی

دبیر واحد سیاسی اجتماعی: فاطمه افرنگ

دبیران واحد فرهنگی هنری: محدثه جعفری

دبیر واحد علمی و فناوری: مریم نسیمی

طراح و صفحه‌آرا: رضا نوبهاری

طراح جلد: رضا نوبهاری

ویراستار: ولی امیرطاهری

روابط عمومی: سارا عباسی

هیئت تحریریه: زهرا داوری، فاطمه افرنگ،
فاطمه هاتفی کرکان، رضا نوبهاری، محسن عیوضی،
فائزه میرزائی، محدثه جعفری، فاطمه گل محمدپور،
زهرا امانی، مریم نظری، مریم میرزائی

نقش والدین در فرآیند یادگیری کودکان

زهرا داوری | دانشجوی امور تربیتی

یادگیری کودکان در دنیای امروز تنها به محیط‌های آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه والدین به عنوان اولین معلمان و الگوهای رفتاری، نقش کلیدی در این فرآیند دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت فعال والدین در یادگیری فرزندان می‌تواند تأثیرات مثبتی بر نتایج تحصیلی و رشد اجتماعی آن‌ها داشته باشد. این مقاله به بررسی اهمیت نقش والدین در یادگیری کودکان و چگونگی استفاده از این ظرفیت برای ارتقاء کیفیت آموزش می‌پردازد.

تأثیر محیط خانوادگی بر یادگیری:

محیط خانوادگی، اولین و مهم‌ترین بستر یادگیری کودک است. والدینی که به یادگیری و تحصیلات اهمیت می‌دهند، می‌توانند فرزندان خود را به سمت موفقیت هدایت کنند. این تأثیر به اشکال مختلفی نمایان می‌شود. برای مثال، والدینی که عادات مطالعه را در خانه ترویج می‌کنند، به فرزندان خود کمک می‌کنند تا به یادگیری علاقه‌مند شوند. ایجاد فضایی که در آن کتابخوانی و یادگیری مورد تشویق قرار گیرد، می‌تواند به تقویت عادات مثبت در کودکان منجر شود.

گفت‌وگو و تبادل نظر در خانواده نیز نقش مهمی در یادگیری دارد. والدینی که با فرزندان خود درباره موضوعات مختلف، به ویژه در زمینه‌های علمی و فرهنگی، گفتگو می‌کنند، به توسعه تفکر انتقادی و خلاقیت در کودکان کمک می‌کنند. این نوع تعاملات نه تنها باعث افزایش دانش کودکان می‌شود، بلکه به آن‌ها می‌آموزد که چگونه نظرات خود را بیان کنند و به دیدگاه‌های دیگران احترام بگذارند.

حمایت عاطفی و روانی:

حمایت عاطفی والدین به کودکان احساس امنیت و اعتماد به نفس می‌دهد. این حمایت می‌تواند به شکل تشویق و حمایت از تلاش‌های فرزندان در یادگیری باشد. والدین باید فرزندان خود را در مواجهه با چالش‌ها و شکست‌ها تشویق کنند تا آن‌ها بفهمند که یادگیری یک فرآیند است و اشتباهات بخشی از آن می‌باشند. این امر به کودکان کمک می‌کند تا به یادگیری ادامه دهند و از اشتباهات خود درس بگیرند. ایجاد فضای مثبت و آرام در خانه نیز می‌تواند به افزایش تمرکز و انگیزه کودک کمک کند. والدین باید سعی کنند محیطی فراهم کنند که در آن فرزندان احساس راحتی کنند و بتوانند بدون استرس و فشار به یادگیری بپردازند. این فضا به کودکان این امکان را می‌دهد که به صورت مستقل و با اعتماد به نفس به یادگیری بپردازند.

همکاری با معلمان:

والدین باید با معلمان همکاری کنند تا بهترین نتایج را در فرآیند یادگیری فرزندان خود به دست آورند. این همکاری می‌تواند به شکل شرکت در جلسات اولیا و مربیان و تبادل اطلاعات درباره پیشرفت تحصیلی و نیازهای فرزندان باشد. والدین باید با معلمان در مورد چالش‌هایی که فرزندان‌شان در یادگیری دارند گفتگو کنند و نظرات خود را در مورد روش‌های آموزشی مطرح کنند. این نوع همکاری به معلمان این امکان را می‌دهد که با آگاهی بیشتری به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ دهند و راهکارهای مناسب‌تری ارائه دهند. همچنین، والدین می‌توانند از تجربیات معلمان بهره‌مند شوند و از آن‌ها در زمینه‌های مختلف آموزشی مشاوره بگیرند.

استفاده از تکنولوژی:

در عصر دیجیتال، والدین می‌توانند از تکنولوژی برای تسهیل یادگیری فرزندان خود بهره ببرند. استفاده از منابع آموزشی آنلاین و برنامه‌های یادگیری می‌تواند به فرزندان کمک کند تا به صورت مستقل و خودآموزی یاد بگیرند. والدین باید فرزندان خود را تشویق کنند تا از این منابع بهره‌مند شوند و به آن‌ها کمک کنند تا مهارت‌های لازم برای استفاده مؤثر از تکنولوژی را بیاموزند. نظارت بر فعالیت‌های آنلاین کودکان نیز اهمیت دارد. والدین باید بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان خود نظارت کنند و محدودیت‌های مناسبی را برای حفظ امنیت و سلامت روانی آن‌ها ایجاد کنند. این نظارت می‌تواند شامل بررسی محتوای آموزشی و بازی‌های آنلاین باشد که فرزندان به آن‌ها دسترسی دارند.

نقش والدین در فرآیند یادگیری کودکان غیرقابل انکار است. با ایجاد محیطی حمایتی و مثبت، همکاری با معلمان و استفاده از تکنولوژی، والدین می‌توانند به ارتقاء کیفیت یادگیری فرزندان خود کمک کنند. این همکاری نه تنها به نفع کودکان است، بلکه به معلمان نیز این امکان را می‌دهد که از ظرفیت والدین برای تربیت و تعلیم بهتر استفاده کنند. در نهایت، با توجه به نقش کلیدی والدین، می‌توان گفت که موفقیت تحصیلی کودکان به شدت به مشارکت و تعامل آن‌ها با والدین بستگی دارد.



تعلیم و تربیت دست آویزی برای جبران کاستی ها

فاطمه افرنگ | دانشجوی رشته آموزش ابتدایی

در روزگاری عمر می‌گذرانیم که آموزش و پرورش به عنوان نهاد پرورش دهنده نیروی انسانی این سرزمین، به جای اینکه در جایگاه حلال بحران‌های اقتصادی-اجتماعی و سازنده فردای این مرز و بوم تلقی شود، تبدیل به اولین نهادی شده‌است که برای جبران کمبود بودجه به سراغ آن می‌روند و هر سال بیشتر بر پیکر بیمار این نهاد مهم و تاثیرگذار زخم می‌گذارند! معلمانش که با حقوق کم آموزش و پرورش تمام فکر و ذکرشان اجاره خانه و تأمین مخارج زندگی از راه شغل دوم و سوم است؛ قطعاً وقت نخواهند کرد و گاهی نمی‌خواهند و گاهی به دلیل آموزش ندیدن، نمی‌توانند برای اعتلای علمی، فرهنگی و اجتماعی خود و دانش‌آموزان تلاشی بکنند! دانش‌آموزان هم تازه اگر درس‌خوان باشند، دل خوش کرده‌اند به جشن‌های گاه و بی‌گاه و تشریفاتی معاونت پرورشی تا شکلاتی بخورند و برای ساعتی از کلاس درس خلاص شوند! دانش‌آموزانی که مغزشان تهی از تفکر درستی است که باید از طریق معلمان به آنها القاء شود، و مورد هجوم اطلاعات رسانه‌های دشمن‌اند! حالا خدا نکند یک اتفاقی در کشور بیفتد ... همسایه‌ها یاری کنید تا دانش‌آموزان را از کف خیابان و سقف ماشین‌ها جمع کنیم! الحمدلله هیچ هنر و مهارتی هم که در مدرسه یاد نمی‌گیرند. گویی قرار است همه‌شان دکتر و مهندس شوند و بماند که نان کلاس‌های کنکور و موسسات آموزشی، خوب توی روغن است!

اگر به فکر این نهاد نباشید، اگر برای مهارت آموزی نوجوانان تلاش نکنید، بیش از پیش شاهد جوانان بیکار و بی‌مهارتی خواهید شد. که سال‌ها پشت صف ناعادلانه کنکور صف کشیده‌اند! اگر به فکر رشد فرهنگی و اجتماعی این قشر نباشید، فرداها باید به فکر اختصاص بودجه بیشتر به زندان‌ها باشید! از قدیم گفته‌اند پیشگیری بهتر و کم هزینه تر از درمان است ... اگر به فکر معیشت معلمان این نهاد حیاتی نباشید فردا با جوانانی مواجه خواهید شد که تهی از هرگونه فکر و عمل و بینشی‌اند!

تا وقتی عملکرد شما اختصاص بودجه‌ای است که همه آن صرف تأمین حقوق معلمان می‌شود، کار تأثیرگذاری در جهت پیشرفت و حل مشکلات این کشور انجام نمی‌شود.

E-Learning

آموزش ترکیبی؛ چالش‌ها و مزایا

فاطمه هاتفی کرکان | دانشجوی رشته امور تربیتی

آموزش ترکیبی (Hybrid Learning)، که گاه به آن یادگیری ترکیبی یا Blended Learning نیز گفته می‌شود، رویکردی است که آموزش سنتی در کلاس درس را با آموزش آنلاین تلفیق می‌کند. این روش در دهه‌های اخیر، به ویژه با رشد فناوری و شیوع پاندمی‌ها مانند کووید-۱۹، به یکی از روش‌های پیشرو در سیستم‌های آموزشی تبدیل شده است. این مدل آموزشی با استفاده از تکنولوژی و ابزارهای دیجیتال در کنار تعامل حضوری، انعطاف‌پذیری و بهره‌وری را در فرآیند یادگیری افزایش می‌دهد.

تعریف آموزش ترکیبی: به گفته گراهام (۲۰۰۶)، hybrid learning ترکیبی از آموزش حضوری سنتی و آموزش آنلاین است که در آن از فناوری دیجیتال برای تقویت فرایند یادگیری و آموزش استفاده می‌شود. این روش شامل استفاده از محتوای آنلاین، پلتفرم‌های آموزشی، آزمون‌های مجازی و در عین حال حفظ تعامل فیزیکی و اجتماعی میان دانش‌آموزان و معلمان است.

مزایای آموزش ترکیبی: آموزش ترکیبی به دلیل ویژگی‌های انعطاف‌پذیری (مطالعه بخشی از محتوا بصورت آنلاین و در زمان دلخواه) و تقویت یادگیری شخصی‌سازی‌شده (طبق نظریه یادگیری سازنده‌گرایانه ویگوتسکی، این نوع شخصی‌سازی می‌تواند به بهبود تجربه یادگیری و افزایش درک دانش‌آموزان منجر شود) مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان آموزشی قرار گرفته است. همچنین صرفه‌جویی در زمان و هزینه، بهبود تعامل و مشارکت، افزایش مهارت‌های دیجیتالی دانش‌آموزان از دیگر مزایای این نوع آموزش است.

چالش‌های آموزش ترکیبی: با وجود مزایای فراوان، آموزش ترکیبی با چالش‌های مختلفی نیز مواجه است که در صورت عدم مدیریت صحیح می‌تواند اثربخشی این روش را کاهش دهد.

۱) نیاز به زیرساخت‌های فناوری مناسب: طبق تحقیقات جونز (۲۰۱۴)، نبود زیرساخت‌های مناسب، از جمله اینترنت پرسرعت و دستگاه‌های دیجیتال، می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین موانع اجرای آموزش ترکیبی باشد. این مسئله به ویژه در مناطق محروم چالش برانگیز است.

۲) عدم آشنایی معلمان و دانش‌آموزان با فناوری: یکی دیگر از چالش‌های اصلی، کمبود مهارت‌های لازم در بین معلمان و دانش‌آموزان برای استفاده از ابزارهای فناوری است. به گفته فولی (۲۰۱۵)، آموزش‌های مقدماتی و پشتیبانی مستمر برای موفقیت این مدل آموزشی ضروری است.

۳) افزایش بار کاری معلمان: معلمان در آموزش ترکیبی باید هم محتواهای حضوری را آماده کنند و هم برنامه‌ریزی برای محتوای آنلاین داشته باشند. این می‌تواند فشار کاری آنها را افزایش دهد و نیازمند مدیریت زمان و منابع اضافی باشد.

۴) کاهش تعامل انسانی: به گفته اندرسون (۲۰۱۱)، یکی از نگرانی‌های اصلی آموزش ترکیبی، کاهش تعامل چهره به چهره بین معلمان و دانش‌آموزان است که می‌تواند بر کیفیت روابط آموزشی تأثیر بگذارد.

۵) چالش در ارزیابی و نظارت: ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان در محیط آنلاین می‌تواند پیچیده‌تر باشد و نیازمند طراحی ابزارهای ارزیابی دقیق‌تری است. این مسئله گاهی منجر به کاهش شفافیت در فرآیند ارزیابی می‌شود.

آموزش ترکیبی، با ترکیب بهترین ویژگی‌های آموزش حضوری و آنلاین، فرصت‌های بی‌نظیری را برای ارتقای کیفیت آموزشی فراهم می‌کند. با این حال، موفقیت این مدل آموزشی مستلزم توجه به چالش‌های ذکرشده و ارائه راهکارهای مناسب است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری، آموزش معلمان، و طراحی برنامه‌های درسی متناسب با این روش، می‌تواند به تحقق پتانسیل کامل آموزش ترکیبی کمک کند. به طور کلی، همان‌طور که ویلیامز (۲۰۲۰) اشاره کرده است، آینده آموزش به رویکردهای ترکیبی متکی خواهد بود، زیرا این روش انعطاف‌پذیری، دسترسی و کارآمدی را در یادگیری بهبود می‌بخشد.

تربیت اسلامی در دنیای مجازی

رضا نوبهارى | دانشجوی رشته آموزش زیست‌شناسی

در عصری که رسانه‌ها و فضای مجازی به‌عنوان ابزارهایی فراگیر و تأثیرگذار، زندگی انسان‌ها را درنوردیده‌اند، بررسی تأثیر این پدیده‌ها بر تربیت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تربیت اسلامی، به‌عنوان نظامی جامع و مبتنی بر آموزه‌های دینی، همواره در پی پرورش انسان‌هایی است که در اخلاق، معنویت و اجتماع به تعالی دست یابند. اما در این میان، رسانه‌ها و فضای مجازی به‌مثابه شمشیری دو لبه عمل می‌کنند؛ از یک سو، فرصت‌هایی بی‌نظیر برای ترویج ارزش‌های اسلامی فراهم می‌آورند و از سوی دیگر، چالش‌هایی جدی را پیشروی تربیت دینی قرار می‌دهند. این مقاله بر آن است تا با نگاهی تحلیلی، تأثیرات این ابزارها را بر تربیت اسلامی بررسی کرده و راهکارهایی برای بهره‌گیری صحیح از آنها ارائه دهد.

جنبه‌های مثبت رسانه‌ها و فضای مجازی در تربیت اسلامی

رسانه‌ها و فضای مجازی، اگر به‌درستی مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری کارآمد در خدمت تربیت اسلامی قرار گیرند. این ابزارها، با تولید محتوای مناسب و جذاب، قادرند ارزش‌های اسلامی همچون صداقت، عدالت، احسان و تقوا را به شیوه‌هایی نوین و مؤثر به مخاطبان انتقال دهند. برنامه‌های آموزشی، فیلم‌ها، پادکست‌ها و شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند مفاهیم دینی را در قالب‌هایی متنوع و گیرا به نسل جوان عرضه کنند.

فضای مجازی این امکان را فراهم می‌کند که افراد به‌راحتی به قرآن، احادیث، کتاب‌های تفسیر و دیگر منابع دینی دسترسی داشته باشند. این امر نه تنها به افزایش آگاهی دینی کمک می‌کند، به‌عنوان مثال، نرم‌افزارهای قرآنی، وبگاه‌های تفسیر و پایگاه‌های حدیثی، منابعی ارزشمند برای مطالعه و تحقیق در اختیار کاربران قرار می‌دهند.

علاوه بر این، رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند در آموزش مفاهیم دینی به کودکان و نوجوانان نقش مؤثری ایفا کنند. استفاده از پویانمایی، کلیپ‌های کوتاه، بازی‌های آموزشی و دیگر ابزارهای دیجیتال، می‌تواند یادگیری مفاهیم دینی را برای این گروه سنی جذاب‌تر و مؤثرتر کند. به‌عنوان مثال، پویانمایی‌هایی که داستان‌های قرآنی یا زندگی پیامبران را به تصویر می‌کشند، می‌توانند به‌سادگی مفاهیم عمیق دینی را به کودکان منتقل کنند.

رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای ترویج فرهنگ گفت‌وگو و تعاملات سازنده در جامعه اسلامی عمل کنند. شبکه‌های اجتماعی و وبگاه‌ها می‌توانند فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل دینی و اخلاقی فراهم کنند. این امر نه تنها به افزایش آگاهی دینی کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت روحیه جمعی و همبستگی اجتماعی در میان مسلمانان می‌شود.

چالش‌های رسانه‌ها و فضای مجازی در تربیت اسلامی

اما در کنار این فرصت‌ها، رسانه‌ها و فضای مجازی چالش‌هایی جدی را نیز پیشروی تربیت اسلامی قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تهاجم فرهنگی است. فضای مجازی، به‌عنوان ابزاری برای گسترش فرهنگ‌های غیراسلامی، می‌تواند ارزش‌های دینی را تحت‌تأثیر قرار داده و باعث تضعیف باورهای اسلامی در افراد شود. محتوای نامناسب و غیراخلاقی که به‌وفور در این فضا یافت می‌شود، می‌تواند به‌سادگی بر ذهن و روح کودکان و نوجوانان تأثیر بگذارد و آنها را از مسیر تربیت اسلامی دور کند.

علاوه بر این، استفاده بیش از حد از فضای مجازی می‌تواند به کاهش تعاملات اجتماعی و فردگرایی منجر شود. این مسئله، با آموزه‌های اسلامی که بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارتباطات انسانی تأکید می‌کنند، در تضاد است. همچنین، فضای مجازی با ارائه محتوای سرگرمی محور و سطحی، می‌تواند باعث کاهش توجه افراد به امور معنوی و عبادی شود، امری که به تضعیف تربیت اسلامی می‌انجامد.

برای مواجهه با این چالش‌ها و بهره‌گیری صحیح از رسانه‌ها و فضای مجازی در جهت تقویت تربیت اسلامی، راهکارهایی چند پیشنهاد می‌شود. نخست، تولید محتوای اسلامی جذاب و متناسب با نیازها و علایق نسل جوان، می‌تواند در جذب آنها به آموزه‌های دینی مؤثر باشد. دوم، آموزش سواد رسانه‌ای به افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، می‌تواند به آنها کمک کند تا محتوای نامناسب را تشخیص دهند و از تأثیرات منفی آن در امان بمانند. سوم، نظارت و کنترل محتوا توسط خانواده‌ها و نهادهای آموزشی، می‌تواند از دسترسی کودکان و نوجوانان به محتوای نامناسب جلوگیری کند. در نهایت، تشویق افراد به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، می‌تواند به کاهش فردگرایی ناشی از استفاده از فضای مجازی کمک کند.

رسانه‌ها و فضای مجازی، به‌عنوان ابزارهایی قدرتمند و فراگیر، تأثیرات عمیقی بر تربیت اسلامی دارند. این تأثیرات، گاه مثبت و گاه منفی هستند. از یک سو، این ابزارها می‌توانند در ترویج ارزش‌های اسلامی و آموزش مفاهیم دینی مؤثر باشند، و از سوی دیگر، می‌توانند به تهاجم فرهنگی، فردگرایی و کاهش توجه به معنویت منجر شوند. برای بهره‌گیری صحیح از این ابزارها در جهت تقویت تربیت اسلامی، تولید محتوای جذاب، آموزش سواد رسانه‌ای، نظارت بر محتوا و تقویت تعاملات اجتماعی ضروری است. تنها با اجرای این راهکارها می‌توان از ظرفیت‌های رسانه‌ها و فضای مجازی در خدمت تربیت اسلامی بهره برد و نسل جوان را در مسیر تعالی اخلاقی و معنوی هدایت کرد.

دانش‌آموز گل؛ نظام آموزشی پوچ

محسن عیوضی | دانشجوی دبیری الهیات

از دبیرستان محل کارورزیم خارج می‌شوم، به سمت اتوبوس شرکت واحد حرکت می‌کنم، تا از ناهار دانشگاه جا نمانم، راستش را بخواهید کمی خسته‌ام، گذشته از دیر خوابیدن و محل نگذاشتن معاونان و مدیر مدرسه به دانشجویان کارورزی، ذهنم بسیار مشغول و درگیر است.

ساعت ۱۳ شده و صدای اذان از مناره‌های مساجد بلند می‌شود، اکثر مسافران اتوبوس، دانش‌آموز هستند، همه‌شان کل اتوبوس را برداشته انگار وقتی از مدرسه خارج می‌شوند تازه می‌فهمند شادی و نشاط یعنی چه...

بعضی از آن‌ها با هم گل یا پوچ بازی می‌کنند. کاری که گاهی و شاید بارها در کلاس‌ها هم انجام می‌دهند، مخصوصاً وقتی معلم تدریسش تمام می‌شود، دانش‌آموزها دور هم جمع می‌شوند و شروع به بازی می‌کنند. تپله یا به اصطلاح گل از دست یکی‌شان می‌افتد، چند نفری بسیج می‌شوند و می‌گردند دنبال آن، بعد کمی کلنجار و زحمت تپله پیدا می‌شود، یکی‌شان می‌گوید: اگر گم می‌شد، تو کلاس‌ها حوصله‌مان سر می‌رفت!

از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم، پیاده‌روها شلوغ و خیابان‌ها ترافیک، همه در جنب‌وجوش و دویدن... احساس می‌کنم کسی نمی‌داند برای چه می‌دود، به کجا می‌رود، و برای چه...؟ ناگهان شاگرد راننده فریاد می‌زند: ایستگاه آخر طالقانی.

اصلاً نفهمیدم کی رسیدم، تمام مدت که در مسیر بودم، به حرف آن پسر فکر می‌کردم، چرا بدون بازی گل یا پوچ در مدرسه حوصله دانش‌آموزان سر می‌رود؟ برنده این بازی کیست؟



موجی به پهنای ارض

مریم نظری | دانشجوی آموزش علوم تجربی

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱

روزهایی که می‌گذرد ، گویی تعبیر کلام آوینی است که گفت: «تاریخ آینده ارض، بارور حوادثی بس شگفت است ...».

چند سال پیش، تصور چنین روزگاری برای مردم دنیای من غیرقابل باور بود؛ نسل کشی‌ای چنین گسترده در خاک جهانی که فریادهای حقوق بشرش گوش سیاره‌های دیگر را کر کرده است، تظاهرات گسترده‌ی وجدان‌های بیدار در قلب اروپا و آمریکا علیه همین نسل کشی، اقامه نماز در برابر کاخ سفید و خیابان‌های آمریکا، سایه‌ی موشک‌های ایرانی بر سر رژیم کودک کش اسرائیل، تحولات گسترده در سرزمین شام (سوریه)، قامت بلند یمن غیور در مقابل آتش استکبار و مهم‌تر از همه، موجی به پهنای کل ارض که همانند سانتریفیوژ، نیکان عالم را از بدن و بدانش را از خوبان آن جدا می‌کند. همه این‌ها قطعات پازلی هستند که تصویر بزرگتری را ترسیم می‌کنند؛ تصویری از جهانی که با شتابی محسوس، به سوی مقصدی معین پیش می‌رود.

امروز دامن آمریکا - فتنه انگیز اصلی ماجرا - به آتشی که خود در جهان افروخته، آلوده شده و تصاویری که از لس آنجلس منتشر می‌شود تجسم جهنم آتش گرفته است.

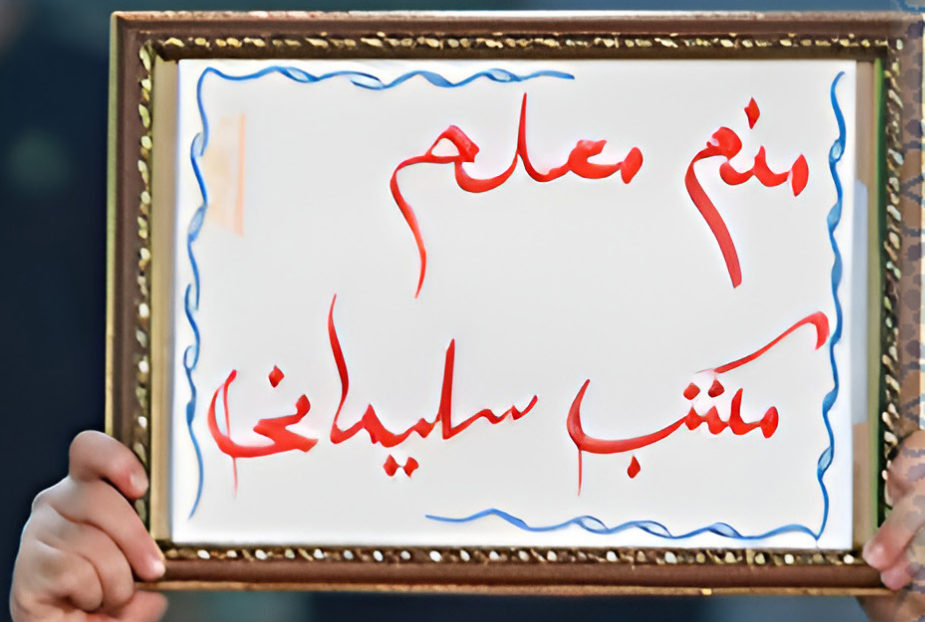
این تنها تصویر بیرونی شیطان بزرگ است! از مدت‌ها پیش ، شالوده این دولت مستکبر در حال فروریزش است! همانطور که خداوند وعده داده است: «... وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ»^۲

«... و خداوند باطل را محو می‌کند و حق را بفرمانش پابرجا می‌سازد»

نبرد فعلی جهان، همان نبرد نهایی آخرالزمان است! تمام حق در برابر تمام باطل! نبردی که ختم به فتح حق و اهتزاز بیرق آزادی و آرامش در تمام کره زمین است.

شهادت مظلومانه مردم غزه، قلب‌های بی‌شماری را در دنیا بیدار کرده است. خون فاتح است! خون‌های پاک، بذر آگاهی و بیداری را در دل‌های مردم جهان کاشته تا آنها را برای اتفاقی بس بزرگ غربال و آماده کند ...

اکنون باید از خود پرسید: «من کجای این داستان ایستاده‌ام؟»



معلم مکتب سلیمانی

فائزه میرزائی | دانشجوی رشته امور تربیتی

مقام معظم رهبری (مدظله): معلم محور حرکت جامعه است. جامعه‌ای که متناسب با مکتب شهید سلیمانی حرکت کند، پیشرفت دارد و طبیعتاً معلم، محور این حرکت خواهد بود.

مهم‌ترین عنصر فعال در آموزش و پرورش هر جامعه معلم است و کارکرد صحیح نظام تعلیم و تربیت کشور، پیشرو بودن مدارس در جامعه و تربیت نسلی تأثیرگذار بر آینده کشور، وابستگی نسبتاً زیادی با معلمان کارآمد، کاردان، با اخلاق و دلسوز دارد. با توجه به اینکه معلم رسالت خطیری در پرورش دانش‌آموزان دارد و عنصر اصلی تحول در آموزش و پرورش است، بهره‌مندی از الگوهای موفق و انسان‌های مکتب‌ساز برای تربیت معلم، امری ضروری است تا معلم با الگوگیری از انسان‌های مکتب ساز، دانش‌آموزانی دین‌دار و همسو با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و جامعه اسلامی تربیت کند. در این راستا، مکتب سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله)، خود تربیت یافته مکتب امام (ره) بود به عنوان یک الگوی کارساز شناخته شده که می‌توان از آن در کنار بهره‌گیری از تعالیم و دستورات الهی، برای رسیدن به اهداف متعالی، برترین



راه‌ها را پیمود. شهید سلیمانی علاوه بر بینش توحیدی، با توجه به شناختی که از قرآن و عترت اهل بیت علیهم السلام داشت و بودن همیشگی در خط ولایت امام زمان علیه السلام و به تبع آن ولایت فقیه و نیز داشتن فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و... در کنار جهاد، می‌تواند الگویی اثرگذار و زمینه‌ساز برای تربیت معلمان باشد و به جرأت می‌توان گفت که معلمان با گام نهادن در مسیر این شهید بزرگوار و الگوبرداری از زندگی و رفتارهای ایشان، به اهداف نظام تعلیم و تربیت و ساحت‌های شش‌گانه سند تحول دست خواهند یافت.

در اینجا به تعدادی از رفتارهای شهید سلیمانی که می‌تواند برای الگوگیری و تربیت معلم تراز جمهوری اسلامی کاربرد داشته باشد بیان می‌گردد:

۱. عبادت و توسل به اهل بیت (ع): حاج قاسم همیشه به دنبال بهانه‌ای می‌گشت تا برای امام حسین (ع) و حضرت زهرا (س) اشک بریزد.

۲. سخت‌کوشی: سخت‌کوشی ایشان باعث می‌شد که ایشان هر کاری را در حد کمال انجام دهد و برای هیچ کاری کم نمی‌گذاشت.

۳. توجه به حلال و حرام و حق‌الناس: ایشان به معنای واقعی کلمه مقید به رعایت حدود شرعی بود. حتی در شرایط جنگی بسیار مقید بر رعایت حق‌الناس در اموال دشمنان بود.

۴. مردم‌داری: شهید سلیمانی هیچ‌گاه ارتباطش را با مردم قطع نکرد و همواره برای کمک به مردم پیشتاز بودند.

معلم مکتب شهید سلیمانی باید با الگوبرداری از ویژگی‌های چنین شخصیت بزرگی تلاش کند تا قاسم سلیمانی‌های آینده را تربیت کند تا آن‌ها هم بتوانند در هر جایگاهی که قرار گرفتند همانند شهید سلیمانی عزیز، خدمت به میهن را نه تنها یک فریضه، بلکه یک افتخار بدانند و برای دفاع و آبادانی کشور تلاش کنند.

زنگ شهادت

مریم میرزائی | دانشجوی رشته امور تربیتی

سلام و درود خالصانه ام نثار تو باد ای دانشجو معلم شهید که در کتاب عشق تو میتوان رمز تفسیر علم و شهادت را یافت و در سلوک عاشقانه ات با خدا تدبیر وسعت جهاد را. به یقین خون پاک تو به همراه اندیشه بیدار گرت هر دلی را که آبیاری کند سرداری از خاک سر برخواهد آورد که قد کشد تا آسمان هفتم. باید در تمامی روزها عاشقانه سپاست گویم که شمع دلمان را روشن کردی، یاد جهاد ایثارگرانه تو از دفتر دل ما پاک نخواهد شد

عزیز دل خواهر میخواهم برایت بنویسم اما اشک دل امان نمی‌دهد سخن کنم که شهادت با عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است.

تو فروغ ماهی تو ای پروانه بیتاب تو ای پاکیزه گوهر دل، نامه تو ای لاله سرخ، معنای زندگی ست و غربت بعد از تو دامنه اهالی کوی شجاعت را گرفته اما حال ما ماندیم و یاد شما که روزهای مارا ترمیم میکند.

زمانی که فهمیدم دانشجو معلم بودی اول به خودم افتخار کردم که با شما یک نقطه ی مشترک دارم و بعد که متوجه شدم اصالتا هم شهری خودم میانه ای هستید به پهنای صورت اشک ریختم گویی عضوی از خانواده ام را از دست دادم

من از شما آموختم دانشجو بودن شهامتی توام با بصیرت و زمان شناسی و میهن دوستی میطلبید

توای شهید غرق در خون، فاطمه گونه زیستی و جان شیرینت را در راه وطن فدا کردی

تو بر کرانه ازلی و ابدی وجود بر نشسته ای. تو ای شقایق من، تو بر پرواز عاشقانه ات بر روزهای ما نسیم بهشت پاشیدی تو به انتظار رویت خورشید در باغ بهار رفتی، تو با شهود بی کران سینه ای با وسعت هفت آسمان را داشتی.

باید بنویسم از رشادت تو با جوهر قلم بنویسم از مقاومت تو بنویسم از جایگاه مقدس تو برای رشادت برای ایستادگی برای دلدادگی برای وطن

خواهرم دلم میخواهد چون تو باشم، دانش بجویم و با آن سد کنم راه کسانی را که کمر به نابودی وطن ما بسته اند.

ای حماسه ساز؛ چون تو مشتم میزنم بر دهان باطل تا یاری ده و زمینه ساز ظهور حضرت حجت (عج) باشم.

دانشجو موذن جامعه است، اگر موذن جامعه خواب بماند نماز امت قضا میشود

دختر کاپشن صورتی

محدثه جعفری | دانشجوی رشته امورتربیتی

می‌خواهم قصه‌ای بگویم. ولی در حقیقت غصه‌ایست. می‌خواهم از یک غم بگویم. ولی نه، بیش از یک غم است. غم لاله‌ها و نو گلان پرپر، که هر کدام عزیز خانه‌ای بودند و آن انفجار عزیز شان را از آنها گرفت. روایت می‌کنم از ۱۳ دی ۴۰۲. روایت می‌کنم از مسیر گلزار کرمان، روایت می‌کنم از حادثه و انفجار، روایت می‌کنم از دختر کاپشن صورتی!

مادر عروسک را از دست دخترک می‌گیرد و می‌گوید بعد مراسم می‌آیی و بازی می‌کنی. او با لبخند و به همراه خانواده راهی مسیر می‌شود، نمی‌دانم شاید پدر قول شهر بازی بعد مراسم را به او داده بود. نمی‌دانم آخرین بار پدر کی او را بوسیده بود، کی موهایش را نوازش کرده بود.

مادر با هزار امید کاپشنش را می‌پوشاند، تا مبادا دخترک ناز مادر سرما بخورد. تا مبادا ریحانه‌اش از سرمای هوا آزاری ببیند اما ... امان از آن انفجار. انفجاری که بند دل مادران را پاره کرد. انفجاری که لبخند بسیاری را منتهی به غم کرد، نه این یک انفجار نبود، گویی پایان بود. پایانی برای مادرانگی. پایانی برای صدای خنده کودکان معصوم. پایانی برای کاپشن صورتی.

همه جا سراسر دود بود و آتش. جملگی دنبال عزیز خویش می‌گشتند. کرمان که نه، گویی کربلای دیگر شده بود. همه جا جوی خون بود و در این میان، جسم بی جان دخترک روی زمین رها بود. او را نمی‌شناختند. گوشواره قلبی و کاپشن صورتی خطابش می‌کردند. دخترک ناز بابا ریحانه بابا، گمنام بود. دخترک قصه ما از ترس سرما کاپشن به تن کرد بود اما حالا در زیر دود و خاکستر، غریبانه روی زمین رها شده بود، آری. آن لبخند زیبایش گویی روی صورت معصومش همچنان باقی مانده بود. آری هوا سرد بود، چون خانه امید مادران که آن روز سرد شد. آری هوا سوز داشت، چون ناله‌های دختران که یتیم شد بودند. گویی هوا سوز و سرمایش را از دل غم‌دیدگان حادثه گرفته بود. حال جسم بی‌جان ریحانه، دختر کاپشن صورتی گوشواره قلبی، به خاک سپرده شد.

نمی‌دانم بعد این حادثه هر جا پدر، دختر بچه‌ای را ببیند حال او چگونه می‌شود؟ پدر تمام رویاهایش را، دخترکش را به خاک سپرده ریحانه رفت اما پدر ماند و یک سال و نیم خاطر. پدر ماند و عروسک‌های ریحانه که در کنج تاریک اتاق بوی ریحانه‌اش را می‌دهند. پدر ماند و حسرت دیدار یک بار فرزندش. پدر ماند در حسرت شنیدن یک بار دیگر بابا گفتن ریحانه، گل خوشبوی بابا. نمی‌دانم چه گونه و با چه زبانی از این حادثه بگویم. زبان قاصر است از گفتن این غم، از گفتن حال روز مادران که منتظر درآغوش کشیدن فرزندشان بود و حال جسم بی‌جان جگر گوشه‌شان را در آغوش می‌کشند، روز مادر بود و چه بسیار خانه‌هایی که در انتظار مادر ماند. زبان قاصر است از بیان این زخم که بعد یک سال هنوز تازه است و می‌سوزاند. جگر مادران شهدا را زبان قاصر است از شرح ماجرای چشمی که به در ماند و عزیزانی که دیگر بازنگشتند.

ابوتراب

فاطمه گل محمدپور | رشته آموزش ابتدایی

از همان جمعه‌ای که پا به جهان خاکی ما گذاشت، از همان روزی که نامش شد اسم اعظم، از همان وقت‌ها که سرای اعظم الهی به یمن قدم ابوتراب سر از پا نشناخته، پرده درید و شکافت، و او شد مولود کعبه باید، می‌دانستیم خداوند علی ملکوتیان را به زمینیان نعمت داده‌است.

در دامن پاک پیغمبر تربیت شد. لقب اولین ایمان آورنده به اسلام را گرفت. روزها گذشت، یل نامی عرب قد کشید و برومند شد و وقت خطر در بستر پیامبر خوابید و فارغ از هیاهوی جهان و شمشیرهای رقصان بالای سرش کل خوابش عبادت بود و کل عبادتش عشق.

به وقت جنگ، ذولفقارش راست می‌رفت و کفار را به سان عزرائیل چنان ضرب‌العجلی می‌کرد که کج می‌شد. نمی‌دانم به میدان پشتش به که گرم بود که زرهش فقط نیمه جلویی داشت. کسی چه می‌داند شاید علی زرهی پوشیده بود از نفس «إن یکاد»‌های فاطمه که عالم و آدم رقیب چشمان نافذ و دستان خیبرگشایش نمی‌شد. او کیمیای جنگاوری بود که از قدرت دستان او درب خیبر مست می‌شد و سر تعظیم فرود می‌آورد به پیشگاهش.

ولی من یقین دارم که آن روز که علی فتح خیبر می‌کرد، به بازویش «حِرز» یا فاطمه داشت. او از عشق قدرت می‌گرفت و با مهر نفس می‌زد. آقایی که در میدان به قدم هایش نمی‌لرزید، به نماز شانه هایش به عبادت می‌لرزید. سجاده‌اش کعبه شده بود و مولود کعبه به آن نیایش می‌کرد.

علی ستون آفرینش بود. در خانه‌شان محبت تلالو می‌کرد. مولا چه زیبا سوره کوثر می‌خواند و بانو چه زیباتر در اذان شهادت به علی می‌داد. آنها آئینه خدا

نمایی بودند که از یکدیگر نور می‌گرفتند و مهر می‌بخشیدند. خانه‌شان آوردگاه نور بود که به اعتبار خورشید نجف به امتداد دوازده نسل روشنایی می‌بخشید.

مظلوم بود هنگامی که ۲۵ سال به ناحق خانه‌نشین شد. آنها دستان خورشید را بستند به جرم تابیدن حال آنکه خورشید می‌تواند نتابد؟ ای شب‌زدگان شب‌پرست! به هنگام شب مولای تنهای من سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست که مبادا کسی بیدار شود. غافل از اینکه کل کوفه خود را به خواب زده بودند. کل کهکشان‌ها در مردمک علی بود و بند نعلین سوار او قداست عظمی داشت. چشمانش قدمت ازلی داشت و نامش سر نقش هر استانی در آسمان. کسی که در شب‌های حزن‌آلود کوفه با کوله‌باری از خرمای شیرین و نان، کل تلخی‌ها و غم‌های دنیا را به دوش می‌کشید. سیراب می‌کرد یتیمانی را که او را بابا علی می‌شناختند.

به سان عبادت، به نزد معشوق چنان سر از پا نمی‌شناخت که زخم مداوا می‌کردند و او نمی‌فهمید. شأن علی در قرآن همان‌جا بود که هنگام نماز انگشترش را به عشق به مسکین عطا فرمود. خطبه‌های نافذ و فصاحت کلامش چنان بود که به هنگام سخنرانی هر دو دنیا، از پیامبران عظماء تا مسیح و موسی (ع) دفتر و قلم برمی‌داشتند و مشق می‌کردند سخنان خدا را از زبان ابوتراب.

آفرینش علی ازلی بود. از همان روزها که خدا مشغول خلقت دنیا بود علی در مسجد حنانه کفشش را رفو می‌کرد. قلب علی گنجینه عشق خزانه غیب الهی بود. علی، عشق خدا روی زمین بود. و اکنون ایوان طلایی نجف و انگور ضریحش شده مرجع شیعیانی که او را بابا علی می‌شناسند. تولدت مبارک بهترین بابای دنیا!

کوله‌ات را بردار

زهرا امانی | دانشجوی رشته امورتربیتی

ما همانیم	قصه‌ی باران‌ها
که ما می‌مانیم	غم تنها شدن است
می‌شود گه گاهی	پس نباید این بار
دل ز دنیا بکنیم؛	راه را گم بکنی
می‌شود گه گاهی	کوله‌ات را بردار
فکر غم را نکنیم	لحظه‌ها را باید
***	فکر فردا بکنی
می‌زند باران‌ها	***
بر دل و بر جان‌ها	تو خودت می‌دانی
می‌نشیند غم‌ها	دلخوشی‌ها کم نیست
بر دل انسان‌ها	لحظه‌ی لبخندت
***	تپش خوبی هاست
آه اما	لحظه‌ی قهقهه‌ی کودک کار
تو خودت می‌دانی	همان شادی هاست
دل خوشی‌ها کم نیست	***
غم دیروز گذشت	
نکند گریه کنی!	
نکند اشک بریزی تا صبح	



هرگاه کسی به شما
نیکی کرد ، جبرانش
کنید و اگر چیزی
نداشتید که آن را جبران
نمایید ، برایش به درگاه
خدا دعا کنید ، چندان
که فکر کنید پاداش
احسان او را داده اید.

بحارالأنوار ۷۵/۴۳/۸

تمامی حقوق اعم از محتوا و قالب برای
فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی قلم
محفوظ می باشد.

قلم

